

گرگ آدمخوار

www.ketab.ir

نویسنده:

سارا جوان

سرشناسه	:	جوان، سارا، ۱۳۴۵-
عنوان و نام پدیدآور	:	گرگ آدمخوار / نویسنده سارا جوان.
مشخصات نشر	:	کرج: اورازان، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	:	۱۱۹ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۷۶۵۸-۴۳-۹
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	-	داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	:	Persian fiction -- 20th century
رده بندی کنگره	:	PIR۸۳۳۹
رده بندی دیویی	:	۸ فا ۶۲/۳
شماره کتابشناسی ملی	:	۸۴۷۳۴۰۴
اطلاعات رکورد کتابشناسی	:	فیا



کتابخانه ملی و اسناد ایران

گرگ آدمخوار

نویسنده: سارا جوان

صفحه آرایی: قاسمی (رها)

طرح روی جلد: شهریار ایشاری

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۶۵۸-۴۳-۹

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: اول ۱۴۰۰

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۵,۰۰۰ تومان

حق چاپ برای مولف محفوظ است

شماره‌ی تماس با ناشر ۰۹۱۲۰۴۵۸۱۹۱

مقدمه

در افسانه‌های قدیمی آمده است که هر کس در شب، در زیر نور مهتاب برهنه بیرون برود پوست گرگ آدمخوار به تنش پوشیده می‌شود و با طلوع خورشید پوست ناپدید می‌شود و شخص به صورت اول خود برمی‌گردد.

و در مدتی که گرگ می‌شود کنترل رفتارش را از دست می‌دهد و به حیوانی وحشی و درنده خو تبدیل می‌شود و به اطرافیان خود و دیگران حمله می‌کند.

در دوران نوجوانی داستانی واقعی از مادرم شنیدم که سالها ذهن مرا درگیر کرد.
داستان گرگی که پسر خاله ام را از پشت بام خانه ما ربوده بود.

«وقت درو مزارع گندم ما بود پسرهای خواهرم که دوقلو بودند و نوجوان، برای کمک به منزل ما آمده بودند. بعد از شام در پشت بام رختخواب پهن کردم، دوقلوها، برادر شوهرم و بقیه مهمانها خوابیدند،

تازه چشمم گرم شده بود که از پشت بام و کوچه سر و صدا بلند شد.

از خواب پریدم گمان کردم که یکی از پسرها در خواب از پشت بام افتاده است.

هراسان بیرون دویدم زانوانم از ترس می لرزید.
دیدم همسایه ها با بیل دنبال یک حیوان افتاده اند فکر کردم خرس
است خیلی بزرگتر از گرگ بود
سریکی از دوقلوها را به دهان گرفته بود و می کشید همه جیغ
می کشیدند ولی من زبانم بند آمده بود.

بالاخره با ضربات بیل همسایه ها،
گرگ مجبور شد پسرخواهرم
را رها کند.

در حالی که پوست سرش را کنده بود،
با پارس سگها از روستا خارج شد.»